



## پژوهشی در حد قصر نماز

پدیدآورنده (ها) : معینی، رضا

فقه و اصول :: نشریه فقه اهل بیت :: تابستان ۱۳۸۳ - شماره ۳۸ (ISC)

صفحات : از ۶۵ تا ۷۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/102246>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- سفر شغلی از دیدگاه امام خمینی (س)
- روش شناسی استنباط احکام جهاد
- تعیین معنای متن از نگاه هرمنوتیک و علم اصول
- قاعدة جلیلة (فیما يتعلق بأحكام السفر و الإقامة مثل قصر الصلاة و الفطر فی شهر رمضان و غیر ذلک)
- منظومه مباحث الفاظ علم اصول
- ضرورت تبارشناسی مباحث لفظی علم اصول
- نگرشی نو به ملاک سفر شرعی
- تاریخ صرف و نحو

## عناوین مشابه

- عزیمت یا رخصت بودن نماز قصر در ساحت فقه مقارن
- رهیافتی بر نقش قرائن در اختلافات تفسیری آیت‌الله صادقی تهرانی و آیت‌الله جوادی آملی در آیه قصر نماز
- قواعد الصلاة (۲) تلازم بین نماز و روزه در قصر و افطار
- مسأله نماز: طرح یک رویکرد پژوهشی: چرا دانش آموزان در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند؟
- پژوهشی در «رساله های نماز جمعه» دوران صفویه
- کنکاشی بر مفهوم نماز و آثار آن در دوره ی جوانی
- نیازسنجی پژوهشی بر پایه علم سنجی: مطالعه ای موردی در تولیدات علمی زبان شناسی ایران
- پژوهشی در رابطه‌ی ضد قهرمان در سینمای دفاع مقدس و قدرت ملی
- استاد نوش آفرین انصاری؛ پذیرفتن دیگری در حد فاصل سکوت و تمدن
- مقاله پژوهشی: شبیه سازی سناریوهای تخلیه اضطراری جمعیت در اماکن پر ازدحام به هنگام وقوع بحران

## پژوهشی در حدّ قصر نماز

○ رضا معینی

در این بحث، ابتدا به بررسی آرا و اقوال فقها در باره حد قصر نماز مسافر پرداخته و سپس روایات مربوطه را مورد بررسی قرار می دهیم:

### آرای فقها در حدّ قصر نماز

دوازده قول در مسأله مسافت قصر نماز وجود دارد که به جز آخرین آنها مفاد همه این است که حد قصر نماز مسافر، پیمودن مسافت یک روز راه است

۱. در مسافت هشت فرسخ، قصر واجب است و اگر کسی چهار فرسخ رفته در صورتی نماز او قصر است که در همان روز باز گردد.

۲. در مسافت هشت فرسخ تلفیقی، قصر جایز است با شرط یادشده.

۳. با همین شرط و با فرق بین نماز و روزه.

این سه قول از آن قدما است.

۴. تصریح به آن که ملاک کلی قصر نماز، مسافت یک روز است و اگر هشت فرسخ

گفته اند به آن جهت بوده که در آن زمان مصداق مسافت یک روز، منحصر در هشت فرسخ بوده است. این دیدگاه - چنانکه در مدارك و ذخیره آمده - از آن محقق و علامه است و در معتبر و تذکره و منتهی نیز به وضوح دیده می شود.

۵. اقرب، تعین عمل به روایات مسافت یک روز و ترك عمل به روایات هشت فرسخ است. این نظر از صاحب ذخیره است.

۶. تخییر بین مسافت یک روز و هشت فرسخ، به شرط معتدل بودن روز و سیر و راه از نظر همواری بدین معنا که مخیر است ملاك قصر نماز را مسیر یک روز یا هشت فرسخ قرار دهد. در نتیجه با فراهم آمدن یکی از این دو، نماز شکسته می شود. این قول از شهیدین نقل شده است.

۷-۱۰. تخییر با حذف یا احتمال حذف یکی از آن سه قید و یا همگی آنها. برای روشن شدن دقیق این اقوال به مدارك و ذخیره مراجعه شود.

۱۱. ملاك قصر نماز، هشت فرسخ به شرط یقین به آن است و گرنه، یک مسافت روز ملاك است. این نظر از شهید اول در ذکری است.

۱۲. ملاك قصر نماز، فقط هشت فرسخ است؛ این دیدگاه در زمان ما شایع شده است.

### متن سخنان قدما

۱. شیخ صدوق در هدایه می گوید: «... فإذا كان سفره أربعة فراسخ فلم يرد الرجوع من يومه فهو بالخيار إن شاء أمم و إن شاء قصر». اگر سفر او چهار فرسخ بوده و اراده بازگشت در آن روز را نداشته باشد، میان اتمام و قصر مخیر است.<sup>۱</sup>

۲. حلبی می فرماید: «... ثمانية فراسخ... أو كانت مسافته بريداً و رجع ليومه...». هشت فرسخ... یا مسافت او یک پیک بوده و همان روز برگردد.<sup>۲</sup>

۳. شیخ طوسی می فرماید: «... فإن كانت المسافة أربعة و اراد الرجوع من يومه

۱. الهدایه، ابن بابویه قمی، باب صلاة المسافر (۵۵)، ص ۱۴۲.

۲. اشارة السبق، ص ۸۷، چاپ جامعه مدرسین.

وَجِبَ أَيْضاً التَّقْصِيرُ». اگر مسافت چهار فرسخ بوده و قصد مراجعه در آن روز را داشته باشد، قصر واجب می باشد.<sup>۱</sup>

۶-۴. مانند این کلمات در مراسم و وسیله و مقنعه به چشم می خورد. به عبارت سید مرتضی بعدها اشاره می شود.

## دلالت و مفاد این اقوال

همان گونه که محقق در معتبر و علامه در منتهی و تذکره تصریح کرده اند، شرط بازگشت در همان روز برای آن است که با رفت و برگشت، مصداق اشغال یک روز، محقق شود و دلیل این شرط را روایات اشغال روز بیان کرده اند، که به دست می آید ایشان اصل را بر لزوم اشغال یک روز و عمل به روایات آن نهاده اند و آن را مقدم بر ملاک هشت فرسخ دانسته اند. ایشان در صورت طی مقداری از هشت فرسخ در روزی و مقدار دیگر آن در روز دیگر قائل به عدم وجوب قصر گشته اند.

علاوه بر آنکه قول به ملاک اشغال روز، مستلزم شرط دیگری خواهد بود و آن وجود فعلی و تحقیقی اقتضا داشتن هشت فرسخ برای این اشغال است که تمام آن روز را بالفعل در برگیرد. یعنی میزان اصلی، اشغال یک روز در مسافرت است و هشت فرسخ مصداق شاغل آن است. این که گفتیم: «وجود فعلی و تحقیقی» بدان جهت است که مقصود آنها از اشغال، در عباراتی مانند «شَغَلَ اليوم» و «شَغَلَ يومه»، همان اشغال تحقیقی و فعلی برای مسافر است نه اشغال فرضی و تقدیری. اشغال فرضی آن است که گفته شود: اگر فرضاً و تقدیراً مرکب شتر باشد، مسافت هشت فرسخ، یک روز را اشغال می کرد، پس نماز شکسته است.

در علم اصول فقه آمده است که مشتقات حقیقت در ذاتی هستند که بالفعل متلبس و متصف به مبدء و وصف عنوانی باشند نه ذاتی که اتصاف آن به مبدء از بین رفته باشد. بالاخره اشغال و شاغلیت بسان دیگر موضوعاتی است که حکم، دائر مدار وجود حقیقی و فعلی آن است و با انتقای آن، حکم هم منتفی خواهد شد.

۱. نهاية الاحکام، باب الصلاة فی السفر، ص ۱۲۲، چاپ انتشارات قدس محمدی.

مطالب یاد شده دلیل روشنی است بر اینکه اگر این فقیهان در زمان ما که شاغلیت هشت فرسخ از بین رفته، زندگی می کردند، قطعاً به جای مسافت هشت فرسخ، مسافت بیشتری را که یک روز اشغال کند مثلاً صد فرسخ را تعیین می کردند. علاوه بر این، مفاد سخن ایشان فراتر از مدّعی ماست، زیرا ما می گوئیم: مفاد روایات، میزان بودن مقدار مسافت یک روز است گر چه در بیش از یک روز پیموده شود. البته به شرطی که ده روز در یک نقطه اقامت نداشته باشد. ولی مفاد سخن ایشان خصوصیت داشتن پیمودن مسافت در یک روز و اشغال آن روز با پیمودن آن مسافت است.

### دیدگاه متأخران

محقق و علامه، به صراحت پذیرفته اند که ملاک کلی قصر نماز، مسافت یک روز راه است و هشت فرسخ، مصداق آن می باشد. این دیدگاه در مدارک و ذخیره و معتبر و منتهی و تذکره مشاهده می گردد و بر آن ادعای اجماع شده است. اگر چه ابتدا هشت فرسخ را ذکر کرده اند ولی استدلال ایشان بر محور مسافت روز قرار گرفته است. مثلاً در معتبر آمده است:

اوکین شرط قصر، مسافت است و آن بیست و چهار میل (هشت فرسخ) است که در یک روز تمام پیموده می شود. این رای همه علمای ما و مطابق یکی از دو روایت نقل شده از ابن عباس است. اوزاعی گفته است: همه علما این دیدگاه را پذیرفته اند، و شافعی و احمد گفته اند: مسافت قصر نماز چهل و هشت میل هاشمی است که در دو روز متوسط پیموده می شود. مالک همین دیدگاه را پذیرفته است ... ابو حنیفه مسیر سه روز را ملاک دانسته است.

دلیل ما: مسیر یک روز، سفر نامیده می شود و در سفر نماز شکسته می شود ... نیز به سبب آن که اگر قصر در مسیر یک روز ثابت نباشد، در مسیر بیشتر از آن هم ثابت نخواهد بود؛ زیرا رنج سفر با استراحت شبانه برطرف می شود. فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام روایت کرده:

«إنما وجب التقصیر فی ثمانية فراسخ لا اقل ولا اکثر من ذلك لان ثمانية فراسخ مسیر یوم للعامة والقوافل والاثقال، فوجب التقصیر فی مسیر یوم و لو لم یجب فی مسیر یوم لما وجب فی مسیر سنة لان كل یوم یكون بعد هذا الیوم فهو نظیر هذا الیوم فلو لم

یجب فی هذا اليوم لما وجب فی نظیره؟

قصر نماز در هشت فرسخ واجب است، نه کمتر و نه بیشتر، برای آن که هشت فرسخ، مسیر یک روز برای عموم و برای کاروانها و حمل بار است؛ از این رو، قصر در مسیر یک روز واجب گشته است. اگر در مسیر یک روز واجب نشود، در مسیر یک سال هم واجب نخواهد شد؛ زیرا روزهای آینده نیز مانند این روز است. اگر قصر در این روز واجب نباشد در همانند آن هم واجب نخواهد شد.

نیز به دلیل آن که مقتضای دلیل قصر، وجوب قصر در صورت مسافرت است، هر مسافتی که باشد، عمل به مقتضای این دلیل در کمتر از یک روز، در میان مسلمانان متروک بوده، پس باید به مقتضای آن در یک روز عمل شود. محمد بن مسلم روایت کرده که حضرت رسول ﷺ رفتن به ذی خشب را «سفر» نام برده اند و آن مسیر یک روز از مدینه بود.<sup>۱</sup>

عین این مطالب در منتهی و تذکره آمده است.

همان گونه که مشاهده می کنید فقهای متأخر نیز اصل کلی را مسافت یک روز قرار داده و هشت فرسخ را از آن جهت که مصداق شاغل یک روز است، ذکر کرده اند، خصوصاً با استدلال به روایت فضل که صریح در مطلب است و در آن تصریح شده که «مشقت روز با استراحت شبانه بر طرف می گردد». این جمله، صریح ترین عبارت است در این که میزان قصر نماز، مسافت یک روز است و هشت فرسخ هیچ خصوصیتی ندارد جز اشغال کردن مسافت یک روز در آن زمان.

همان گونه که اصل مطلب و مقصود، از عبارت محقق حلی در معتبر استفاده می شود، از جمله «و هو مذهب علمائنا اجماع»، اجماعی بودن آن به دست می آید. گرچه این اجماع منقول است، لیکن اولاً با توجه به دیدگاه قدما و ثانیاً نبود دلیل بر سخن کسانی مانند سید بن زهره در غنیه که بر هشت فرسخ اکتفا کرده اند. جز روایاتی که هشت فرسخ را به عنوان مصداق شاغل روز ذکر کرده اند. ثالثاً با توجه به شهادت محقق و علامه حلی بر اجماعی بودن مسئله، این اجماع منقول برای ما بسان اجماع محصل است. صاحب جواهر در نقل این دیدگاه، تعبیر «عندنا» آورده اند که تمام اصحاب تا زمان ایشان را در بر می گیرد.

در معتبر و منتهی و تذکره به دنبال بحث گذشته، آمده است:

۱. المعتمد فی شرح المختصر، ج ۲، کتاب الصلاة، ص ۴۶۶.

اگر مسافت چهار فرسخ بوده و مسافر قصد بازگشت در همان روز را داشته باشد، قصر در نماز و روزه بر او واجب می‌گردد. دیدگاه بیشتر اصحاب چنین است. شیخ طوسی در این مسأله دو دیدگاه دارد: یکی همان که گفتیم، و دیگری تخییر میان قصر و اتمام که در تهذیب مطرح شده است.

دلیل ما: وقتی مسافر قصد برگشت داشته باشد، تمام روز خود را با رفت و برگشت اشغال کرده و مانند مسافر هشت فرسخ می‌شود. روایات نیز همین معنا را تأیید می‌کنند، از جمله در روایت معاویه بن وهب آمده است: «برید ذاهباً و برید جائئاً؛ یک پیک در حال رفتن و یک پیک در حال بازگشت». محمد بن مسلم نیز روایت کرده که از امام علیه السلام در باره حد قصر پرسیدم، فرمود: «یک پیک» عرض کردم: یک پیک؟ فرمود: «إذا ذهب بریداً و رجع بریداً فقد شغل یومه؛ هنگامی که یک پیک برود و یک پیک برگردد، روز خود را اشغال کرده است».

اگر قصد بازگشت در همان روز را نداشته باشد، ابن بابویه گفته: در قصر نماز و انجام روزه مخیر است، شیخ مفید نیز همین دیدگاه را دارد. شیخ طوسی گفته: تنها در نماز مخیر است، نه در روزه. سید مرتضی از قصر نماز و روزه هر دو منع کرده است.<sup>۱</sup>

در کتاب جوهر که جامع اقوال و ادله تا زمان خود بوده، آمده است:

مسافت قصر نماز نزد ما و اوزاعی، مسیر یک روز تمام مانند روز روزه (از طلوع فجر تا مغرب) است. در صحیح زراره و محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام آمده است: «قد سافر رسول الله صلی الله علیه و آله إلى ذی خشب و هی مسیرة یوم من المدینة؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله به ذی خشب مسافرت کرد و آن مسیر یک روز از مدینه است. در روایت بجلی از امام صادق علیه السلام آمده است:

از حضرت پرسیدم: کمترین مسافتی که در آن نماز قصر می‌شود چه مقدار است؟ فرمود: «جرت السنة بیاض یوم؛ در سنت، روشنایی یک روز، معمول شده است». گفتیم: روشنایی یک روز مختلف است، کسی در روز پانزده فرسخ می‌رود و دیگری چهار یا پنج فرسخ، حضرت فرمود: «إنه لیس إلى ذلك ینظر اما رأیت سیر هذه الانتقال بین مكة و المدینة - ثم أوما بیده - أربعة و عشرين میلاً یكون ثمانية فراسخ، به این اختلاف سیر نگاه نمی‌شود، آیا سیر قافله‌های سنگین بین مکه و مدینه را نمی‌بینی - و به دست خود به آن سو اشاره فرمود - بیست و چهار میل که هشت فرسخ می‌شود».

۱. المعترف فی شرح المختصر، ج ۲، کتاب الصلاة، ص ۴۶۷؛ منتهی المطلب، ج ۱، کتاب صلوة المسافر، ص ۳۹۰، چاپ سنگی؛ تذکره الفقهاء، ج ۴، صلاة السفر، ص ۳۷۲ و ۳۷۳.



روایات دیگری نیز به همین مضمون وجود دارد که ملاک قصر نماز را مسافت یک روز دانسته اند و همگی ظهور دارند در این که مقصود، روز روزه داران است، زیرا تعبیر «روشنایی روز» آمده است. برخی از فقهای ما به این برداشت تصریح کرده اند بلکه در این مسأله، اختلافی میان فقها نیافتیم. اگر این نبود، ممکن بود مقصود روایت از روشنایی روز، ما بین برآمدن آفتاب تا شکسته شدن شدت آن باشد، ولی با توجه به دلالت روایات و برداشت فقها، همان معنای اوگ درست است.

مقدار مسافت روز در شرع، دو پیک است. گویا چون سیر در روز به حسب مکانها و زمانها مختلف بوده، شارع به منظور دفع این اختلاف آن را به دو برید اندازه گیری کرده است. علاوه بر این، مسافت یک روز و دو برید در واقع به یکدیگر نزدیک است؛ زیرا مقصود از سیر یک روز، سیر عمومی شتر بوده است. در روایت بجلی که گذشت و در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إنَّ التَّقْصِيرَ لَمْ يَوْضِعْ عَلَى الْبَغْلَةِ السَّفْوَاءِ وَالدَّابَّةِ النَّاجِيَةِ وَ إِنَّمَا وَضَعَ عَلَى سِيرِ الْقَطَارِ؛ اندازه گیری مسافت قصر بر اساس سیر استر و اسب تندرو قرار داده نشده و بر سیر قطار شتر قرار داده شده است.

«دو برید» برای بیان اندازه دقیق تری از اندازه تقریبی «روز» بوده، وگرنه هر دو (برید و روز) در نظر شرع یک چیز بوده، نه دو امر مختلف، تا جای این بحث باشد که مدار مسافت بر هر دو است به گونه ای که اجتماع آن دو [یک روز، و هشت فرسخ] در تحقق مسافت معتبر باشد، چنان که از سخن برخی از فقها بر می آید. بر این اساس اگر فرض شود مسیر روز از دو برید کمتر شود یا برعکس، مسافت شرعی تحقق پیدا نکرده است...<sup>۱</sup>

سخنان صاحب جواهر صریح در این مطلب است که اصل در تعیین مسافت، «روز» بوده و شارع مقدس به منظور رفع اختلاف، آن را به هشت فرسخ اندازه گیری کرده و در نتیجه «دو برید» اندازه حقیقی برای اندازه تقریبی «روز» است و این دو در واقع یک چیزند. تعبیر «عدلنا» نیز صریح در اجماع فقهای ما در این مسأله است.

بنابر این اگر صاحب جواهر و دیگر فقهایی که مسافت دو برید را اندازه تحقیق مسافت یک روز می دانسته اند و بر این اساس میان روایات جمع کرده اند، در زمان ما می بودند که

تطبیق این تحقیق و تقریب - دو برید و یک روز - امکان نداشت، غیر از این را می گفتند. نیز با توجه به اینکه صاحب جواهر و بسیاری دیگر، مشتق را حقیقت در متلبس فعلی می دانند؛ همچنین با توجه به اینکه وجود و عدم حکم دایر مدار وجود و عدم موضوع است؛ در این زمان که مسافت هشت فرسخ، یک روز را پوشش نمی دهد، موضوع هشت فرسخ را منتفی شده دانسته و دست از حکم قصر در هشت فرسخ بر می داشتند. به عبارت دیگر در آن زمان، هشت فرسخ مصداق مسافت یک روز بود، از این رو حمل روایات «روز» بر هشت فرسخ، درست بود، ولی امروزه که آن مصداق جای خود را به مصداق دیگر داده است، چنین حملی ممکن نیست.

همچنین، استناد به روایات هشت فرسخ در امروز که جایی برای آن جمع و حمل تقریبی و تحقیقی باقی نمانده، به منزله دست برداشتن از همه روایات صحیحه و معتبره «روز» است که اجماع و اتفاق عمل همه گذشتگان بر آن بوده است. نظریه هشت فرسخ، ناظر به روایات روز و ناشی از جمع میان روایات بوده است و روایات «روز» حتی نزد کسانی که میان این روایات و روایات هشت فرسخ، جمع کرده اند، اجماعی بوده است. بنابراین نظریه هشت فرسخ به تنهایی، در این زمان - که هیچ تناسبی میان «روز» و «هشت فرسخ» به گونه ای که بتوان میان آن دو را جمع کرد و به یکدیگر مرتبط ساخت، وجود ندارد - نه تنها خلاف مشهور بلکه مخالف اجماع و سبب کنار زدن روایات فراوان «روز» می شود. چنان که در این زمان با توجه به عدم تناسب و تعادل میان هشت فرسخ و صد فرسخ که مسیر یک روز امروزه است، نمی توان دیدگاه تخییر را پذیرفت؛ زیرا دو طرف تخییر باید دارای تناسب باشد. از آنجا که موضوع تخییر در این روزگار منتفی شده است، کسانی که در آن زمان دارای این دیدگاه بوده اند، در این زمان نمی توانند به این دیدگاه معتقد باشند.

### بررسی روایات

بر اساس آنچه گذشت، دلالت و مفاد روایات در این باره روشن بوده و نیازی به تطویل نیست و فقط به نکاتی در این روایات اشاره می کنیم:

۱. در خبر صحیح بجلی آمده است<sup>۱</sup>: «جرت السنّة بیاض یوم؛ سنّت بر روشنایی روز جاری شده است». این بیان صراحت دارد که سنّت جاری در باب قصر نماز، مسافت یک روز است. می دانیم که سنّت، عمل و روشی است که برای عمل مکلفان تا روز قیامت، تشریح شده است. بنابراین اگر هشت فرسخ ملاک قصر نماز بوده است، معنی نداشت که امام علیه السلام بفرماید: «جرت السنّة بیاض یوم» و راوی هم از اختلاف مصادیق آن سؤال کند و حضرت در تعیین مصداق به حرکت کاروانهایی که بین مکه و مدینه سیر می کنند اشاره نماید.

اشاره حضرت به حرکت کاروانهای میان مکه و مدینه، اشاره به یک امر واقعی بود برای تعیین مصداق سیر در یک روز با وسایل نقلیه آن روزگار.

۲. صحیح<sup>۲</sup> فضل بن شاذان که آن را به نقل از کتاب معتبر آوردیم و صریح در این است که ملاک، مسیر یک روز است، و به علت آنکه در آن روزگار به طور متوسط در یک روز هشت فرسخ راه پیموده می شد، هشت فرسخ مصداق مسیر یک روز گشته است. در این حدیث، تعلیل شده که چون هشت فرسخ، مصداق طی مسافت در یک روز است، ملاک قصر نماز قرار داده شده و به حکم قاعده «التعلیل یعمّم و یخصّص» شامل همه مصادیق متوسط طی مسافت در مسیر یک روز در هر زمان خواهد شد.<sup>۳</sup>

۱. تهذیب الاحکام، ج ۴، باب حکم المسافر والمريض فی الصیام، ص ۲۲۲، حدیث ۶۴۹.  
 ۲. این خبر در کتاب معتبر، صحیح است؛ زیرا محقق در مقدمه معتبر تصریح کرده که عین کتب اصحاب را انتخاب و از آنها بلا واسطه نقل می کند که یکی از آنها کتاب فضل است. گذشته از آنکه این روایت به سند فقیه و علل و عیون هم معتبر بوده و امامانی آن را صحیح دانسته و صاحب جواهر آن را به حسن تعبیر کرده است.

۳. مثلاً اگر به بیمار می گویند: «انار نخور چون ترش است» از این کلام می فهمیم ملاک ترشی است نه خصوص انار، پس معلوم می شود هر چه ترش باشد، نباید بخورد و اناری اگر ترش نبود، اشکال ندارد. حال اگر طیبی گفت: انار نخور، و در جای دیگر گفت: ترشی نخور و در جای دیگر گفت: این که گفتم انار نخور به خاطر آن است که ترش است، روشن است که ترشی اصل است و انار از باب یک نمونه و مصداق است. روایات باب از این قبیل است و مجموعاً بر چهار دسته تقسیم می شود:

۳. روایت موثق محمد بن مسلم نیز با تعلیل: «فقد شغل یومه» همراه است و با توجه به آنچه در تعمیم علیت گفتیم، دلالت روایت بر مدعای ما به خوبی روشن است. بنا بر این، قطعی است و جای تردید و شبهه نیست که باید حد مسافت یک روز در این زمان با وسایل نقلیه ای که غالب مردم با آن سفر می کنند محاسبه شود. در اینجا اقوال و احتمالاتی در مدارک و ذخیره آمده، مطرح می شود که آیا «سیر» و «روز» و «مکان» از نظر سرعت حرکت و کوتاه و بلندی روز و همواری و ناهمواری راه باید متوسط باشد یا مطلقاً محاسبه هر سیر و روز و مکان، کافی است؟ گفتیم میزان، مسافتی است که غالب مسافران در یک روز طی می کنند. طبعاً مراد از سیر نیز سرعت سیر غالب افراد است و مراد از مکان نیز راهی است که غالب افراد می روند، ولی «روز» در روایات، مطلق آمده است. حاصل کلام، آن که روایات، «مسیر یک روز» را ملاک قصر نماز قرار داده اند و «هشت فرسخ» و «برید» و «میل» همگی مصداق یک کلی هستند و مصداق بودن آنها منحصر در همان زمان بود. از این رو اگر هزاران روایت نیز در مورد «هشت فرسخ» و «برید» و «میل» وارد شده باشد، به ملاک بودن «مسیر یک روز» زیان نمی رساند و موجب ترجیح نمی شود؛ زیرا میان کلی و مصداق - بسان عام و خاص - تعارض وجود ندارد.



۱. روایات هشت فرسخ لفظاً (ثمانیة فراسخ)، یا معنأ (برید و بریدین).
۲. روایات مسیر یک روز.
۳. روایات تعلیل (تعیین هشت فرسخ به علت آن که مسیر یک روزه بوده است).
۴. روایاتی که هر دو (روز و هشت فرسخ) را آورده است مانند صحیح ابی ایوب از حضرت امام صادق علیه السلام: «سئلته عن التقصیر فقال: بریدین أو بیاض یوم؛ از حضرت از حد قصر سؤال نمودم، فرمود: دو پیک یا سفیدی یک روز». در این روایت نیز چون هشت فرسخ، مصداق کلی طی مسافت در یک روز در آن زمان بوده، مطرح شده نه این که مراد تخییر بین یک روز و هشت فرسخ باشد، زیرا خلاف صریح روایات خصوصاً صحیح بجملی است. با این بیان، مراد از موثقه سماعه نیز روشن می شود: «فی مسیر یوم و ذلك بریدان و هما ثمانیة فراسخ، قصر در مسیر یک روز است و آن دو برید است و دو برید هشت فرسخ می باشد». [وسائل الشیعة، ج ۵، ابواب صلاة المسافر، باب ۱].